



گرجستان پس از انقلاب رز: دشواری‌ها و دلایل ژئوپلیتیک سیاست آمریکا^۱

با وقوع حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی نزد سیاست‌پردازان کاخ سفید اهمیت ویژه‌ای یافت. حق پرواز مستقیم از طریق قفقاز به آسیای مرکزی و افغانستان بخش اصلی تلاش‌های در حال اجرای ایالات متحده و نیروهای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را تشکیل می‌دهد. بنابراین تدابیر امنیتی در هر یک از کشورهای اوراسیای مرکزی، از اهمیت بالایی برای غرب برخوردار است. در این میان، قفقاز منطقه‌ی منازعات متعدد و خطوط مرزی مورد اختلاف است. سه مورد از چهار منازعه‌ای که در سرزمین‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق، منازعات منجمد^۲ نامیده می‌شوند در این منطقه قرار دارد و آنگونه که نشان می‌دهند، منجمد نیستند.

در واقع همان‌گونه که بحران اخیر در قفقاز و جنگ میان روسیه و گرجستان بر سر اوستیا نشان داد، تنش‌های روسیه - گرجستان در ارتباط با اوستیای جنوبی و آبخازیا (به عنوان دو مورد از منازعات منجمد) هر لحظه می‌توانند به خشونت آشکار مبدل شوند.

خلاصه‌ای از بیوگرافی نویسنده

سوانته کورنل^۳ مدیر تحقیقات مؤسسه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، برنامه‌ی مطالعات جاده‌ی ابریشم و مرکز مشترک پژوهش و سیاست وابسته به دانشکده‌ی مطالعات پیشرفته‌ی

1. Georgia After the Rose Revolution: Geopolitical Predicament and Implications for U.S. Policy

2. Frozen Conflicts

3. Svante E. Cornell

بین‌المللی دانشگاه جان هاپکینز و دانشکده‌ی مطالعات اوراسیای دانشگاه اوپسلاوی سوئد می‌باشد. وی پیش از این در آکادمی نظامی سلطنتی سوئد تدریس می‌کرد و طی سال‌های ۲۰۰۲-۳ به‌عنوان استاد واحد مطالعات منطقه قفقاز در مؤسسه‌ی خدمات خارجی ایالات متحده مشغول به کار بود.

مهم‌ترین حوزه‌ی تخصصی کورنل مسایل امنیتی، دولت‌سازی و جنایات فراملی در آسیای جنوب غربی و مرکزی با تمرکز ویژه بر قفقاز است. وی همچنین به‌عنوان کارشناس سیاست‌های ترکیه و پاکستان مطرح است. دکتر کورنل همچنین ویراستار نشریه‌ی مرکز مشترک پژوهش و سیاست به‌نام تحلیل‌گر آسیای مرکزی و قفقاز^۱ و مجموعه مقالات دوره‌ای این مرکز با عنوان مقالات جاده‌ی ابریشم^۲ نیز می‌باشد. وی نویسنده‌ی چهار عنوان کتاب در خصوص مسایل آسیای مرکزی و قفقاز شامل کتاب ملت‌های کوچک و قدرت‌های بزرگ^۳ است که به‌عنوان نخستین مطالعه‌ی منسجم منازعات پس از فروپاشی شوروی در قفقاز شناخته می‌شود. مقالات متعددی نیز از وی در مجلات مطرح جهان سیاست^۴، فصلنامه‌ی واشنگتن^۵، تاریخ معاصر^۶، نشریه‌ی دموکراسی^۷ و مطالعات اروپا-آسیا^۸ به چاپ رسیده است. مدرک دکترای وی در زمینه‌ی مطالعات صلح و منازعه از دانشگاه اوپسلاوی سوئد است.

خلاصه مطالب کتاب

گرجستان از زمان استقلال در سال ۱۹۹۱ به لحاظ فکری، مستقل‌ترین کشور در میان جمهوری‌های سابق شوروی بوده است. روسیه با حمایت شدید از اقلیت‌های مناطق تجزیه طلب مانند آبخازیا و اوستیای جنوبی با استقلال گرجستان مقابله کرد. از زمانی که رئیس‌جمهور روسیه ولادیمیر پوتین بر سر کار آمد، فشار مسکو بر تفلیس برای تغییر

1. Central Asia-Caucasus Analyst
2. Silk Road Papers
3. Small Nations and Great Powers
4. World Politics
5. the Washington Quarterly
6. Current History
7. Journal of Democracy
8. Europe-Asia Studies

مواضع متمایل به غرب نیز شدت بیشتری یافت. تا اینکه با وقوع انقلاب رز ۲۰۰۳ در گرجستان، پس از اینکه دولت جدید از طریق سرکوب منازعات تجزیه طلبانه و پیگیری عضویت در ناتو (یعنی تمام چیزهایی که مورد مخالفت شدید مسکو بود)، تمرکزهای دموکراتیک و یک‌جانبه‌ی خود را بر بازسازی دولت متمرکز گرجستان قرار داد، روابط تفلیس با روسیه به سردی گرایید.

این در حالی است که امنیت و موفقیت گرجستان برای منافع غرب و به‌ویژه آمریکا اهمیت بسیار دارد. علاوه بر این امید است که گرجستان نمونه‌ای از تحولات موفق دولت‌سازی و دموکراسی خواهی در جمهوری‌های شوروی سابق و خاورمیانه‌ی بزرگ ارائه نماید و به‌عنوان یک محور استراتژیک برای نقل و انتقال منابع انرژی اوراسیا و نیز دستیابی غرب به آسیای مرکزی و افغانستان محسوب شود.

متقابلاً، مسکو در جهت ضمیمه سازی خاک گرجستان به فدراسیون روسیه حرکت کرده و طی مراحل، اعتماد میان تفلیس و اقلیت‌های تجزیه طلب را کم کرده و خطر آتش جنگ نظامی را افزایش می‌دهد. علاوه روسیه سعی کرده است با بستن مسیرهای ارتباطی میان روسیه و گرجستان و نیز اخراج قومیت‌های گرجستان از روسیه، این کشور را از لحاظ اقتصادی تحت فشار قرار دهد. این اقدامات، گرجستان را از فرایند اصلاحات دور می‌دارد.

برای مقابله با این شرایط، ایالات متحده نیازمند توسعه‌ی یک سیاست فعال و منسجم در منطقه است تا یک سیاست منفعل و عکس‌العملی؛ این سیاست باید در مرحله نخست شامل برآورد مجدد روابط واشنگتن با مسکو باشد. علاوه بر این، با یک رویکرد راهبردی نسبت به گرجستان به کمک مستمر به اصلاح طلبان گرجی و حمایت گسترده از بین‌المللی ساختن حفظ صلح و ساختارهای مذاکره در منازعات گرجستان را دربر داشته و نیز با تشویق روابط تجاری گسترده با تفلیس برای فراهم ساختن بازارهای جایگزین، اقدام نماید. تمامی این سیاست‌ها تنها از طریق تعهد کامل ایالات متحده به عضویت گرجستان در ناتو، همکاری بیشتر با شرکای اروپایی و مهم‌تر از همه، همکاری گسترده میان بخش‌های مختلف دولت آمریکا در خصوص ابتکارات در قبال این کشور است.

بررسی سر فصل‌های کتاب

نویسنده‌ی کتاب مواضع خود در خصوص جریان‌ات سیاسی گرجستان، منافع و اقدامات روسیه و آمریکا در این کشور و نیز توصیه‌های خود به سیاست‌مداران غربی و به‌ویژه آمریکایی را طی چهار فصل بیان نموده است:

الف) چه چیزی در گرجستان مورد ریسک واقع شده است؟

در این فصل نویسنده موضوع اهمیت جمهوری گرجستان در میان منافع ایالات متحده که از نظر دولت مردان این کشور غیر قابل چشم‌پوشی می‌باشد مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به اعتقاد وی این منافع در طیفی از مسایل که شامل حاکمیت و دمکراسی؛ انرژی و تجارت؛ و امنیت است قرار دارد.

ب) منافع آمریکا در قفقاز جنوبی

این فصل شامل بررسی منافع واشنگتن در اوراسیای مرکزی و به‌ویژه گرجستان می‌باشد. در این زمینه نویسنده به حمایت ایالات متحده از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی پرداخته و بیان می‌دارد که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پاسخ و عکس‌العمل این کشورها در قبال عملیات تروریستی، از سوی کاخ سفید با سطح استقلال آنها سنجیده می‌شود.

ج) سیاست‌های روسیه

در این فصل سوانته کورنل مطرح می‌نماید که به‌طور مشخص از سال ۲۰۰۶ به بعد، سیاست خارجی روسیه در قبال کشورهای قفقاز جنوبی علاوه بر مشکلات ناشی از شرایط داخلی حکومت‌های منطقه و مسایل ژئوپلیتیکی، یک نگرانی جدی برای آمریکا محسوب می‌شود. وی در این راستا به مقایسه‌ی دو دوره‌ی زمانی کاهش کنترل مسکو بر فضای مناطق پیرامونی خود در آسیای مرکزی و قفقاز (پس از انقلاب بلشویکی و فروپاشی شوروی) پرداخته و مهم‌ترین چالش پیش روی سیاست خارجی مسکو در قفقاز را موضوع استقلال چین و الگو پذیری این جمهوری خودمختار فدراسیون روسیه از جمهوری‌های قفقاز جنوبی می‌داند.

د) الزامات غرب و ایالات متحده

کورنل در این فصل به بیان و تشریح ده مورد از سیاست‌هایی می‌پردازد که به عقیده وی جهت موفقیت سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه قفقاز ضروری است.

بر این اساس، نویسنده در واقع اهداف زیر را دنبال نموده است:

۱- تعریف ریسکی که در منطقه قفقاز جنوبی وجود دارد و اینکه گرجستان در این نقشه چه جایگاهی را به خود اختصاص داده است.

۲- شناخت اساس و بافت سیاست‌های روسیه در قبال گرجستان.

۳- تجزیه و تحلیل دلایل سیاست‌های ژئوپلیتیکی آمریکا در منطقه.

تجزیه و تحلیل

از زمان پروسترویکا، کشور گرجستان بیشترین استقلال فکری را از اتحاد جماهیر شوروی سابق داشته است و در این راستا اواخر دوره‌ی شوروی سوسیالیستی، قدم‌های محکمی را در جهت استقلال عملی برداشت. تفلیس در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی دولتی بود که بیشترین مقاومت را در برابر عضویت در جمع کشورهای مستقل مشترک‌المنافع^۱ تحت حمایت مسکو نشان داد. پس از آن نیز با طرح درخواست عضویت در ناتو به‌عنوان یک آرزوی ملی پیش از هر کشور دیگری از شوروی سابق، به‌مثابه مهم‌ترین دولت طرفدار غرب در گروه کشورهای مستقل همسود باقی ماند^۲. از این منظر گرجستان بیشترین شباهت را به کشورهای حوزه‌ی بالتیک دارد تا به همسایگان خود یا دیگر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع. با این تفاوت که دولت‌های بالتیک دست‌یابی به اهداف خود را تنها از طریق گزینه‌های سیاسی و دیپلماتیک روسیه دنبال می‌کنند، در حالی که در خصوص گرجستان، روسیه بسیاری از عناصر قدرت را به‌کار برده تا تفلیس را از پیمودن این راه باز دارد.

در واقع مسکو از ابتدا به‌طور مستمر از نیروهای مسلح تجزیه طلب مخالف دولت گرجستان به لحاظ سیاسی و نظامی حمایت کرده است. روسیه به مدت یک دهه از برچیدن پایگاه‌های نظامی مورد اختلاف خود در خاک گرجستان خودداری نمود، چندین بار خاک

1. Commonwealth of Independent States

۲. تا اینکه نهایتاً گرجستان پس از جنگ مرداد ماه سال ۸۷ در منطقه اوستیای جنوبی و دخالت روسیه، از این سازمان خارج شد.

گرجستان را مورد حملات هوایی قرار داد، اقدامات خرابکارانه‌ای همچون تلاش برای ترور رئیس دولت گرجستان انجام داد، رژیم ویزای تبعیض آمیزی به آن تحمیل کرد، و با استفاده از وابستگی گرجستان به انرژی روسیه، فشارهای مضاعف اقتصادی بر آن اعمال نمود. اخیراً نیز مسکو پرسنل امنیتی روسیه را در موقعیت‌های کلیدی در ایالت‌های مورد اختلاف در محدوده‌ی گرجستان به خدمت گرفته و با اهداف سیاسی، تحریم صادرات گرجستان به روسیه را در پیش گرفته است. این اقدامات سیاست خارجی روسیه در قبال گرجستان، نسبت به دیگر جمهوری‌های شوروی سابق کاملاً متفاوت و تبعیض آمیز است. بر این اساس اگر مسکو به گونه‌ای فزاینده بتواند کنترل کرملین را بر قلمروهای قبلی خود اعمال کند به هیچ سرزمینی مشتاق‌تر از گرجستان نبوده و تا کنون نیز در هیچ جایی مانند گرجستان مغایر با اصول اساسی حقوق بین‌الملل عمل نکرده است. قابل تصریح است که مداخلات سیاسی روسیه در گرجستان مواردی چون تهدید و کاربرد استفاده از خشونت، سرنگونی و نیز آنچه به عنوان ضمیمه‌سازی آشکار محدوده‌ی گرجستان به‌شمار می‌رود، را شامل می‌گردد.

اعمال اینگونه سیاست‌های روسیه یک‌سری نتایج را برای گرجستان که طالب توسعه‌ی سیاسی، اقتصادی، ثبات و امنیت می‌باشد، در پی داشته است. گرجستان به‌عنوان یک کشور کوچک با مشکلات داخلی قابل ملاحظه، با دخالت‌هایی که از سوی مسکو برای تغییر سیاست‌های آن صورت می‌گیرد، نمی‌تواند بر روی مسأله‌ی توسعه متمرکز شود. از زمانی که منازعات آبخازیا و اوستیای جنوبی اهمیت یافته‌اند، سیاست‌های روسیه به‌طور مستقیم با تحمیل بیماری‌های روانی، سیاسی و اقتصادی عمیق به جامعه‌ی گرجستان، تمامیت، وحدت و کارکرد دولت گرجستان را تقلیل داده است. اگرچه به نظر می‌رسد رفتارهای روسیه، تنها گرجستان را در تصمیم خود برای آینده‌ای امن خارج از کنترل روسیه مصمم تر ساخته است.

در این مسیر، دولت‌های متوالی گرجستان ارجحیت‌های سیاست خارجی یکسانی را دنبال کرده‌اند: همگرایی با مؤسسات یورو- آتلانتیکی و رابطه‌ی امنیتی مستقیم با ایالات متحده‌ی آمریکا به منظور دستیابی به سطوحی از حفاظت در مقابل مسکو. این وضعیت هم‌زمان با زمانی است که واشنگتن به‌طور فزاینده در جستجوی رشد منابع امنیتی در قفقاز جنوبی و به‌ویژه گرجستان برآمده است. گرجستان یکی از مهم‌ترین کشورهای لیبرال اتحاد

جماهیر شوروی سابق است که در کوریدور شرق و غرب که اروپا را به دریای خزر پیوند می‌دهد قرار گرفته و مهم‌ترین محل ترانزیت برای ایالات متحده در آسیای مرکزی و افغانستان است. بر این اساس، دخالت‌های واشنگتن در استقلال و حاکمیت گرجستان از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ به‌طور چشمگیری افزایش داشته است. به‌طوریکه نویسنده‌ی کتاب مذکور معتقد است استقلال گرجستان به احتمال زیاد بدون غرب و به‌ویژه حمایت آمریکا از آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

نویسنده در نتیجه‌گیری از بحث خود، ده مورد از دلایل سیاست خارجی ایالات متحده در قبال منطقه‌ی قفقاز و به‌ویژه گرجستان را اینگونه بر می‌شمارد:

۱. سیاست واشنگتن در قبال روسیه باید مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. سیاست‌های دلجویانه، آنگونه که آمریکا در صدد انجام آن بوده، شکست خورده است. به‌خاطر این دلیل ساده که دلجویی از طرف مقابل که از تفکر حاصل جمع جبری صفر بهره می‌برد، امکان‌پذیر نیست.

۲. طرح روسیه در ازبکستان، گرجستان و دیگر مناطق اوراسیای مرکزی تا حدودی موفق بوده است، زیرا ایالات متحده انسجام سیاسی و کارکرد همکاری میان بخش‌های مختلف دولت نسبت به مناطق آسیای مرکزی و قفقاز را از دست داده است.

۳. ایالات متحده باید اولویت‌های سیاسی بلند مدت خود در منطقه را هرچه سریع‌تر تعیین نماید. در حال حاضر قانون دوم استراتژی جاده‌ی ابریشم، ابتکار عمل مناسبی را برای سیاست‌های اجرایی و قانونی هماهنگ در منطقه فراهم می‌نماید. برای اینکه سیاست واشنگتن اعتبار و قابلیت پیش‌گویی داشته باشد، صدور یک بیانیه‌ی سیاسی توسط مقامات رسمی بلند پایه‌ی دولت ضروری است.

۴. سیاست دولتی آمریکا در قبال منطقه، همانند هر منطقه‌ی دیگر، شامل تعدد بخش‌های تصمیم‌ساز دولتی مانند کاخ سفید، وزارت امور خارجه، دفاع، خزانه‌داری، بازرگانی و غیره می‌باشد. عدم همکاری یا همکاری اندک میان آنها در خصوص مسایل منطقه‌ی قفقاز اکنون مشهود است و بعضاً منافع و سیاست‌های آنها به‌طور آشکار در برابر هم قرار می‌گیرد.

۵. در روابط دو جانبه با مسکو، تنها صدور یک بیانیه‌ی آشکار از سیاست ایالات متحده و منافع آن کارساز است. شفافیت و قابلیت پیشگویی، فضای دخالت روسیه در اوراسیا را کاهش خواهد داد.
۶. واشنگتن باید تعهدات خود را در قبال عضویت گرجستان در ناتو به‌طور شفاف عملی نماید.
۷. ایالات متحده بایستی تعهدات خود را برای بین‌المللی سازی حفظ صلح و ساختارهای میانجی‌گری در منازعات منجمد قفقاز قوی‌تر نماید.
۸. آمریکا به همکاری جدی اتحادیه‌ی اروپا نیاز دارد تا فعالیت خود را برای حل منازعات در آبخازیا، اوستیای جنوبی و قره‌باغ افزایش دهد.
۹. ایالات متحده و قدرت‌های اروپایی باید به‌طور جدی نسبت به شناسایی دوفاکتوی انضمام آبخازیا و اوستیای جنوبی به روسیه و نیز هر جایی که سیاست‌های مسکو در آن ناقض حقوق بین‌الملل است، مخالفت نمایند.
۱۰. ایالات متحده و قدرت‌های اروپایی باید این موضوع را برای کرملین روشن سازند که استفاده از اهرم اقتصادی برای مقاصد سیاسی غیر قابل قبول بوده و با انتظارات سازمان تجارت جهانی از روسیه منطبق نمی‌باشد. به‌ویژه اینکه گرجستان نیز از اعضای این سازمان است.